

چالش با اقتصاد نولبرالیسم
(جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی)

رکسانا بهرامی تاش

ترجمه

غلامحسین فتح‌اله نوری

تهران

۱۳۸۹



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

Bahramitash, Roksana

سرشناسه: بهرامی ناش، رoksana - ۱۳۳۵

عنوان و نام پدیدآور: چالش با اقتصاد نولیبرالیسم (جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی) / رoksana بهرامی ناش؛ ترجمه غلامحسین فتح اله نوری.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: هشت، ۲۴۳ ص.

فروست: «سمت»، ۱۳۵۸. علوم اجتماعی: ۷۶.

شابک: ۹۶۵-۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸ ۲۹۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Liberation from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia, 2005.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۵-۲۳۵.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: ضمیمه.

موضوع: زنان در توسعه اقتصادی - آسیای جنوب شرقی.

موضوع: زنان - آسیای جنوب شرقی - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۱ م.

موضوع: جهانی شدن.

موضوع: آسیای جنوب شرقی - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۱ م.

موضوع: آسیای جنوب شرقی - سیاست اقتصادی.

موضوع: آسیای جنوب شرقی - سیاست اجتماعی.

شاسه افزوده: فتح اله نوری غلامحسین، ۱۳۳۵ - مترجم.

شاسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ب ۹ آ ۵ / ۱۱۴ / HQ

رده بندی دیوبی: ۳۳۱/۴-۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۴۲۶۷

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



Liberation from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia; Roksana Bahramitash; London: Zed Books, 2005.

چالش با اقتصاد نولیبرالیسم (جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی)

ترجمه غلامحسین فتح اله نوری

ویراستار: فاطمه لشکری نژاد

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت: ۲۹۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده گان و عوامل توزیع

مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه روی

پمپ گاز، کدپستی ۱۶۶۳۶، تلفن ۴۴۴۴۶۲۵۰۲

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای «سمت» محفوظ است

(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۳	سپاسگزاری
۶	درباره نویسنده کتاب
۷	سخنی با خوانندگان فارسی زبان
۱۱	مقدمه
۳۱	فصل اول: بنیادگرایی بازار
۳۲	توسعه در دوره پس از جنگ جهانی دوم
۴۱	ظهور نولیبرالیسم: تسخیر بازار، کاهش قدرت دولت، فقر بیشتر
۴۶	جایگزینهای بنیادگرایی بازار: خودمختاری ریشه دار و دولت دخالت گر
۵۵	فصل دوم: چه کسی متحمل هزینه های بنیادگرایی بازار می گردد؟
۵۶	پیشینه نظریه های جنسیتی و توسعه
۵۸	اشتغال زنان از منظر بازار
۶۱	نولیبرالیسم و افزایش اشتغال زنان
۷۱	نقشهای ناپیدای زنان
۷۶	کار به خاطر عشق و علاقه: دغدغه اقتصادی و کاهش خدمات اجتماعی
۷۹	دولت دخالت گر در برابر بنیادگرایی بازار
۸۴	فصل سوم: تایوان: نولیبرالیسم یا دولت توسعه گرا؟
۸۴	تاریخ استعماری
۹۰	فرایند ساخت تایوان مدرن
۹۹	نقش زنان در موفقیت اقتصادی تایوان

صفحه	عنوان
۱۱۲	نقشهای ناپیدای اقتصادی
۱۱۸	جامعه و کار داوطلبانه: سازمانهایی با منشأ دولتی
۱۲۰	خط مشیهای جنسیتی، جامعه مدنی و آینده تایوان
۱۳۰	فصل چهارم: اندونزی: بیر کاغذی و بحران آسیایی
۱۳۰	تاریخ استعماری
۱۳۸	اندونزی مدرن: ساختار دولت و اقتصاد سیاسی
۱۴۷	نقش زنان در اقتصاد
۱۶۵	فصل پنجم: فیلیپین
۱۶۵	تاریخ استعماری
۱۷۶	ساختار دولت مدرن فیلیپین و راهبرد توسعه
۱۸۶	نقش زنان در اقتصاد
۲۰۵	فصل ششم: نتیجه گیری: آزادسازی در بحران
۲۰۵	چالش در فرضیه های نولیرالیسم
۲۱۳	آپک و ازدواج نامیمون نولیرالیسم و نومحافظه کاری
۲۱۷	نولیرالیسم در بحران: نگاه به آینده
۲۲۱	پی نوشتها
۲۲۵	منابع و مآخذ
۲۳۶	نمایه

فهرست جداول و نمودارها

عنوان	صفحه
جدول ۱ مقایسه پیشینه سه کشور	۲۶
جدول ۲ مراحل خط مشی اقتصادی در سه کشور	۲۷
جدول ۳ مقایسه اقتصاد سه کشور	۲۹
جدول ۳-۱ سیاستهای توسعه اقتصادی تایوان	۹۴
جدول ۳-۲ نسبت اشتغال زنان	۱۰۳
جدول ۳-۳ درصد متوسط حقوق ماهانه زنان در صنعت در مقایسه با مردان	۱۰۵
جدول ۳-۴ تطابق نسبی نسبت اشتغال زنان با متغیرهای اجتماعی	۱۱۷
جدول ۴-۱ مراحل راهبرد توسعه	۱۴۳
جدول ۴-۲ نسبت اشتغال زنان در هر بخش	۱۴۹
جدول ۴-۳ متوسط دستمزد ساعتی کارگران زن	۱۵۱
جدول ۴-۴ جمع نیروی کار بین المللی اندونزی - مهاجرین به جنسیت	۱۵۴
جدول ۴-۵ امید به زندگی در بدو تولد، درصد مرگ و میر اطفال	۱۵۸
جدول ۵-۱ مراحل راهبرد توسعه فیلیپین	۱۸۲
جدول ۵-۲ تولید صنعتی و کشاورزی در قالب درصد کل صادرات	۱۸۴
جدول ۵-۳ نسبت اشتغال زنان در هر بخش	۱۸۷
جدول ۵-۴ نسبت زنان به کل کارگران در بخش خدمات از طریق اشتغال	۱۹۲
جدول ۵-۵ فیلیپینهای مقیم خارج کشور ۱۹۸۱-۱۹۹۴ (در هزار)	۱۹۶
نمودار ۱ خاورمیانه و آفریقای شمالی	۲۲
نمودار ۲ جنوب صحرای آفریقا	۲۳
نمودار ۳ آمریکای لاتین	۲۳
نمودار ۴ جنوب آسیا	۲۴
نمودار ۵ آسیای جنوب شرقی	۲۴
نمودار ۳-۱ نسبت اشتغال زنان، تایوان ۱۹۶۰-۱۹۹۳	۱۰۸

۱۰۹	نمودار ۳-۲ نسبت اشتغال زنان در تولید، تایوان ۱۹۶۰-۱۹۹۳
۱۱۱	نمودار ۳-۳ تولید به‌مثابه درصدی از کل تولید ناخالص داخلی
۱۱۳	نمودار ۳-۴ نسبت اشتغال زنان و نرخ کل باروری
۱۴۹	نمودار ۴-۱ نسبت اشتغال زنان در هر بخش
۱۵۶	نمودار ۴-۲ نسبت اشتغال زنان و نرخ کل باروری
۱۸۷	نمودار ۵-۱ نسبت اشتغال زنان در هر بخش
۱۹۹	نمودار ۵-۲ نسبت اشتغال زنان و نرخ کل باروری
۲۰۰	نمودار ۵-۳ نسبت اشتغال زنان، مرگ و میر اطفال و امید به زندگی
۲۰۱	نمودار ۵-۴ اشتغال زنان و دستیابی آموزشی

مقدمه مترجم

محور عمده کتاب حاضر «جنسیت و جهانی‌سازی در آسیای جنوب شرقی» است. سیاست آزادسازی، یکی از مؤلفه‌های جهانی‌سازی، در توسعه فقر جهانی و اختلاف درآمد تأثیر سوء نهاده و عواقبش در وهله نخست متوجه اقشار آسیب‌پذیر و به‌خصوص زنان و کودکان بوده است. کتاب حاضر با مطالعه و بررسی میدانی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سه کشور تایوان، اندونزی و فیلیپین به تحلیل سیاستهای اقتصادی نولیبرالیسم در قالب جهانی‌سازی پرداخته است. نویسنده با ارائه جدولها و نمودارهای متعدد که حاصل مطالعه میدانی و نیز کتابخانه‌ای است، نشان داده که سهم عمده‌ای از رشد ناخالص داخلی این کشورها به‌عهده زنان بوده و با کار ایشان فراهم شده است. از این منظر در ادبیات مرتبط با کار زنان، اثر دست‌اولی محسوب می‌گردد. در اینجا منظومه‌ای از توضیحات معتدل به‌دست داده شده است. مؤلفه‌های اصلی این منظومه در سه کشور یادشده به‌طور جداگانه و با وحدت رویه بررسی شده است. تراز رشد اقتصادی تایوان حاصل عملکردهای ذیل ارزیابی شده است:

رفتار دخالت‌گرانه دولت، بودجه و حمایت مالی و فناوری آن، حمایت دولت از شرکتهای تولیدی کوچک و متوسط، استفاده از نیروی کار زنان تایوان همچون منبع کار ارزان، انعطاف‌پذیری بالای اشتغال زنان، اجرای برنامه «اتاق نشیمن: کارخانه». آنچه در اندونزی پدید آمده عبارت بوده است از: بحران، اقتصاد ضعیف، دولت دیکتاتوری مورد حمایت امریکا و اجرای منویات اقتصادی اجماع واشنگتن. البته نرخ دورقمی سرانه تولید ناخالص ملی این کشور تحسین‌برانگیز می‌نماید، اما حصول آن با خسارت به منابع طبیعی؛ استخراج نفت و دیگر منابع؛

سرمایه‌گذاری شرکت‌های استرالیایی، ژاپنی، امریکایی در برابر سودهای هنگفت؛ رشوه به مقامات دولتی و تخصیص منابع مالی اندک به فقیران شهری و روستایی بوده است. فشارهایی که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اعمال کردند منجر به کاهش ارزش پول و کاهش خدمات رفاهی با نتایج منفی، به‌ویژه برای زنان گردید. فیلیپین فاقد منابع سرشار بوده اما ساختار دولت آن وجوه مشترک بسیاری با اندونزی داشته است. بارزترین وجه آن عدم شکل‌گیری دولت دخالت‌گر کارآمد بوده است. اتکا به منبع ارزان کار یعنی نیروی کار زنان، تأسیس مناطق آزاد تجاری و استخدام زنان جوان با دستمزد اندک، صدور زنان به‌عنوان خدمتکار به سراسر دنیا و فراهم‌سازی زمینه ارسال دستمزدشان به کشور و افزایش روند مهاجرت از ویژگی این کشور توسعه‌نیافته و در ذیل حمایت امریکاست.

بررسی تفصیلی سه کشور یادشده، مدعای نولیبرالیسم را مخدوش می‌سازد. اقتصاد بازار آزاد به قرائت اجماع‌واشنگتن و افزایش رشد تولید ناخالص داخلی با تحمیل فرمولهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، راه مناسبی در دستیابی به رفاه شهروندان و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم نیست.

نویسنده بر آن است که الگوی بدل، دولت دخالت‌گر ملتزم به حمایت از حقوق شهروندان است. دولتی که در ساختار یک جامعه مدنی، از طریق سازمانهای مردم‌نهاد برگزیده شده و به خواستهای اتحاد ملت توجه دارد و از طریق رسانه‌های جمعی قابل کنترل است. اشاره به دوره طولانی رکود آبی در اقتصاد امریکا و ارائه نمونه‌پژوهیهای سه کشور یادشده، به‌ویژه در فضایی که پس از «بحران اقتصادی» اخیر پدید آمده، کتاب را خواندنی‌تر ساخته است.

سیاسگزاری

کتاب حاضر حاصل جستجوی آکادمیک و فردی است. از یک سو بیانگر دغدغه‌های ذهنی‌ام درباره کمبودهای موجود در مباحث توسعه اقتصادی با نظر به مسائل جنسیتی است. از سوی دیگر نشان از تعهدی دارد که مبتنی بر تجربه شخصی‌ام در نیاز به مطمئن ساختن زنان در دستیابی شایسته به منابع اقتصادی است. در هفت سالی که برای پروراندن مباحث کتاب حاضر طی شد، خود را وامدار افراد بسیاری می‌دانم. مایلم از استاد راهنمایم، مایکل آر. اسمیت^۱، تشکر کنم. وی منشأ حمایت فکری و کسی است که عملاً نمونه‌ای از اهمیت تحمل عقاید دیگران در حفظ جو سالم و سودمند آکادمیک را نشانم داد. همچنین می‌خواهم از استاد لیلیان رابینسن^۲، مدیر مؤسسه سیمون دوبوار دانشگاه کونکوردیا تشکر کنم، وی مشاور این جانب در بسیاری از کارهای بعد از دکترایم به واقع استادی کارآمد و منبع بزرگ الهام و حمایت آکادمیک بود. کتاب حاضر حاصل فرصتهایی است که ذیل دو بورس تحصیلی، یکی پروژه جهانی‌سازی و دیگری از انجمن علوم اجتماعی و تحقیقات انسانی کانادا فراهم آمده است.

اساتید بسیاری در دانشگاه مک گیل و کونکوردیا و دیگر دانشگاههای خارج از کانادا با گشاده‌رویی، زمان و نظر مشورتی خویش را در اختیارم نهادند از جمله استادان محترم راشاد آنتونیوس^۳، مارجری کوئین^۴، داین السون^۵، هما هودفر^۶،

-
1. Michael R. Smith
 2. Lillian Robinson
 3. Rashad Antonius
 4. Marjory Cohen
 5. Diane Elson
 6. Homa Hoodfar

گوردون لاکسر^۱، دانیل لیو^۲، یول لاکر^۳، راجر کرون^۴، تامس نیلر^۵، آنتونی پاره^۶، کاری پولانی-لویت^۷، اکسل وان دن برگ^۸ و دون وان اشن^۹. کسانی دیگر نیز حمایت و مشاوره بی‌شائبه خویش را با قرائت چندین نوبت دست‌نوشته‌ام نشان دادند. مایلم به‌ویژه از دکتر اریک هوخلند^{۱۰} که پشتیبانی بی‌نظیری در پیشبرد این پروژه داشت، تشکر کنم. همچنین از فرد رید^{۱۱} و فرید هنرپیشه^{۱۲} به‌خاطر صبری در گوش سپردن به ایده‌هایم و بازخورد مدیرانه‌شان، سپاسگزاری می‌نمایم. اگر دلگرمی دادن‌های دکتر آنتونی ساینوت^{۱۳}، مدیر قبلی بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کونکوردیا برای پیگیری چاپ این نوشته نبود، هرگز به نشر آن فکر نمی‌کردم. خیلی خوش اقبال بودم که با کریس کورین^{۱۴} آشنا شدم کسی که قول چاپ کتاب را به من داد و با مشاوره‌های بی‌نهایت اثرگذارش نشانم داد که چگونه با انتشارات مختلف وارد گفتگو شوم.

همچنین از حمایت مرکز آموزشی و تحقیق درباره زنان دانشگاه مک‌گیل، با مدیریت استاد شری مالی^{۱۵} و از پروژه کانادا-اندونزی دانشگاه مک‌گیل که توأمان هزینه سفر تحقیقی به اندونزی برای پژوهش میدانی را فراهم ساختند، که اگر چنین نمی‌کردند امکان این کار برایم فراهم نبود، تشکر می‌کنم.

در کلامی شخصی‌تر باید از مادرم فاطمه صمدی حقیقی و دایم‌ام بهزاد فرهی برای حضور در زمانی که به آنها نیاز داشتم، سپاسگزاری نمایم.

-
1. Gordon Laxer
 2. Daniel Lev
 3. Uli Locher
 4. Roger Krohn
 5. Thomas Naylor
 6. Anthony Pare
 7. Kari Polanyi-Levitt
 8. Axel Van den Berg
 9. Don Von Eschen
 10. Eric Hoogland
 11. Fred Reed
 12. Farbod Honarposheh
 13. Anthony Synnott
 14. Chris Corrin
 15. Shree Mulay

همچنین از بسیاری از دوستانم از جمله سوزان لافونتین^۱، دینا هرون^۲، نادا سوفین^۳، پروین ثقفی و فرخنده آقایی، برای حمایت‌های عاطفی‌شان ممنونم. سپاس خاص از فرزانه خطیر به خاطر حمایتی که در مقطع بسیار دشوار زندگی‌ام ابراز داشت، دوره‌ای که مصادف بود با آخرین مراحل تبدیل نهایی دست‌نوشته‌ها در قالب کتابی کامل.

آخرین اما نه کمترین، خانواده بسیار عزیزم هستند که منبع بزرگ نیرویم بوده‌اند. فرزندانم با رضایت خاطری بزرگ زندگی‌ام را سرشار ساختند و فرصتی بی‌نظیر در اختیارم نهادند تا ضمن اشتغال، از زندگی محظوظ گردم. بزرگ کردن بچه‌ها برایم مجال درک زندگی را فراهم ساخت و تجربه دست‌اولی از مسائلی را در برابرم گشود که در حال نوشتن آنها بودم. بزرگ کردن بچه‌ها مرا از یک فرد دانشگاهی صرف به کسی تبدیل ساخت تا خود بتواند موضوع مطالعه‌اش قرار گیرد. همچنان که کارم پیش می‌رفت رشد فرزندانم از کودکی به بزرگسالی را نظاره می‌کردم و آنان نیز مرا صبورانه می‌دیدند و شجاعت و نیرویی را که به عنوان مادر، در ضمن کار لازم داشتم، نثارم می‌کردند.

این کتاب را به چهار انسان بی‌نظیر تقدیم می‌کنم که بدون ایشان زندگی‌ام بی‌معناست: مهسان صادق، آرش صادق، ایمان صادق و آنا صادق.

درباره نویسنده کتاب

رکسانا بهرامی تاش مدرس مباحث جنسیت و توسعه در مرکز مطالعات زنان انستیتو سیمون دوبوار در دانشگاه کونکوردیا در مانترال است. وی در سال ۲۰۰۱ به دریافت درجه دکترا از دانشگاه مک گیل نایل آمد. در حال حاضر در پروژه جهانی سازی، اسلامی سازی^۱ و اشتغال زنان پروژه ای را با حمایت مرکز تحقیقات علوم انسانی و علوم اجتماعی (اس اس اچ آر سی)^۲ کانادا دنبال می کند. او برای تحقیق در مبحث فقر زنان، چند جایزه از جمله جایزه ایلین روس^۳ (اس اس اچ آر سی) و جایزه مارگرت ژیلی^۴ (دانشگاه مک گیل) را دریافت کرده است. بخشی از داده های کتاب حاضر هنگامی گردآوری شد که وی در مورد مبحث اسلامی سازی و نیروی اقتصادی زنان در اندونزی برای سازمان توسعه بین المللی کانادا (سیدا)^۵ در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ کار می کرد.

1. Islamization

2. Social Science and Human Research Council (SSHRC)

3. Eileen Ross

4. Margaret Gillet

5. Canadian International Development Agency (CIDA)

سخنی با خوانندگان فارسی زبان

یکی از دلایل انتخاب حوزه آسیای جنوب شرقی رشد اقتصادی سریع مورد ادعا در آنجا بود. سازمان توسعه بین‌المللی کانادا (سیدا) فرصتی فراهم ساخت تا پروژه‌ای را با تحقیق میدانی در اندونزی آغاز نمایم. در مجال به‌دست آمده و البته بی‌خبر از آنکه قریب ۷ سال از بهترین ایام زندگی‌ام صرف آن می‌گردد؛ به مطالعه در سوابق تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در چند کشور حوزه یادشده پرداختم و آنچه از تحصیلاتم در ایران و تکمیل و اتمام آن در دانشگاه‌های کانادا آموخته بودم، دستمایه پیشبرد این پروژه ساختم. پروژه‌ای که فرصتی نیکو تلقی‌اش می‌کردم. همیشه خلأ ارتباطات و به‌ویژه تحقیقات اجتماعی در بین کشورهای موسوم به جهان سوم، در نظرم برجسته نموده است. به‌رغم آنکه گاه این خلأ به‌طور غیربرنامه‌ریزی شده در برخی کشورها از جمله در مصر، ترکیه و به‌خصوص هند که کتاب حاضر اخیراً در آنجا نیز انتشار یافته، با اجرای برخی پروژه‌ها، تا حدودی جبران شده، تداوم پایداری نداشته است. از این‌رو خوشنودی‌ام را از چاپ فارسی آن به‌وسیله انتشارات «سمت» و انتشار انگلیسی آن در هند نمی‌توانم بازگو نکنم. جا دارد که در اینجا از خانم ناهید فراست که در سامان‌بخشی امور ترجمه اهتمام ورزیدند و نیز از مترجم کتاب آقای غلامحسین فتح‌اله نوری سپاسگزاری گردد. طی دوره‌ای که در اندونزی به کار مشغول بودم نگاه‌های مهربان و مشفق مردم این کشور نصیبم می‌شد؛ آنها به‌ویژه حضور یک زن ایرانی مشتاق و علاقه‌مند به مطالعه کشورشان را بسیار مغتنم دانسته، آنچه از لطف و خوبی در حوصله داشتند نثارم می‌ساختند. ایرانی بودنم البته مزید بر علت بود. تقریباً در تمام نقاط اندونزی نام ایران جلب نظر می‌کرد. کسانی که مسائل ایران را دنبال می‌کردند تشنه دانستن درباره

مسائل ایران بودند و تمایل داشتند از تفاوت‌های قبل و بعد از انقلاب و نیز برنامه‌های در حال اجرا در ایران بدانند. گاه جایگاهم در برابر مصاحبه‌شوندگان تغییر می‌کرد و در معرض پرسشهای بی‌شمار مشتاقان قرار می‌گرفتم و البته پاره‌ای از همین گفت و شنودهای خود به خودی دستمایه نگارش چند مقاله مقایسه‌ای گردید.

زمانی که در اندونزی به سر می‌بردم احساس می‌کردم گویی زمان به عقب بازگشته است و با ایران قبل از انقلاب مواجهم. در کشورهای خاورمیانه از جمله مصر و اردن نیز همین حال را پیدا می‌کردم. لذا همیشه نظرم به تبادل دانش و آموخته‌های بین و درون منطقه‌ای معطوف گردیده است. برای مثال اندونزی بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان بوده، مانند ایران در آمد اصلی‌اش از منابع طبیعی از جمله نفت است. از قضا دخالت آمریکا در این کشور، به لحاظ زمانی ده سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد در ایران، با روشهای پیش و کم مشابهی، حاکمیت دیکتاتوری سوهارتو را مستقر ساخت. بحران ۱۹۹۷ آسیا منجر به سقوط دیکتاتور و زمامداری عبدالرحمان وحید رهبر بزرگ‌ترین سازمان اسلامی نهضت‌العلما گردید. در مقام مقایسه تشابهات فراوانی بین حمایت آمریکا از سوهارتو، مارکوزه و شاه سابق ایران وجود دارد.

شیوه کار در نگارش کتاب حاضر تحقیقات میدانی جامعه‌شناسانه-مردم‌شناسانه کیفی، در تلفیق با روشهای تحقیقات دیگری چون تحقیق کتابخانه‌ای و مقایسه‌ای تاریخی بوده است. در کنار روشهای فوق برای قوام بخشیدن به نتایج نهایی از روش تحلیل داده‌های آماری و کمی نیز سود جستیم. آنچه بر آن تأکید نهاده‌ام تلفیق روشهای کمی و کیفی بوده؛ زیرا اکثر کتابهای مرتبط با مسائل زنان متکی بر روشهای کیفی است. گمانم آن است که روش اتخاذ شده در اعمال سیاست‌گذاری ملی و جهانی به لحاظ کاربردی می‌تواند مؤثر واقع گردد.

در اینجا مایلیم یکی از مفاهیم حائز اهمیت کتاب را به اجمال تحلیل نماییم. مقوله دولت توسعه‌گر-دخالت‌گر ناظر به نوع خاصی از دولت است که در ادبیات اقتصاد و جامعه‌شناسی؛ نظریه‌پردازانی از قبیل ایمزدن، اسکوپل، ایوانز و... تبیین‌گر و مدافع آن‌اند. در این نظریه دولت نهادی است که از طریق برنامه‌ریزیهای خرد و کلان و اعمال نظارت مستقیم بر اقتصاد کشور، کنترل و اهرم رشد اقتصادی را در دست دارد. این دولت در تقابل با نوع «بازار آزاد»ی است که در الگوی مورد تأیید

امریکا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و در یک کلام «اجماع واشنگتن» قرار می‌گیرد. مهار دولت یادشده به عهده سازمانهای مردم‌نهاد و مطبوعات آزاد است؛ به عبارت دیگر دولت توسعه‌گر- دخالت‌گر بدون وجود شروط پیش گفته، همان دولت توتالیتار و استبدادی است. و البته منظور ما تبلیغ چنین دولتی نیست.

برخی بر آن‌اند که آزادی فردی و سیاسی، توأم با بازار آزاد و لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به عبارت دیگر برای وصول دموکراسی باید از حلقه بازار آزاد گذر کرد. گذشته از دلایل نظری، تجربه اندونزی درستی این دیدگاه را به‌طور جدی مخدوش می‌سازد. در اندونزی بازار آزاد در کنار استبداد زیسته و نتیجه نهایی دموکراسی نبوده است. آنچه در اندونزی محقق شده، آن بوده که بازار آزاد در مهندسی اقتصاد تابع سیاست‌گذاریهای امریکا و متضمن حضور استبداد بوده است. فیلیپین نیز در کنار اندونزی، تجربه‌ای بسیار متفاوت از تایوان را پشت سر نهاده است. تایوان برخلاف دو کشور یادشده، با دخالت مستقیم دولت به توسعه دست یافت. رشد اقتصادی در تایوان نیز در اثر دولت توسعه‌گر- دخالت‌گر و البته نیروی کار ارزان زنان بوده است. آمار ارائه شده در اینجا مؤید نظر فوق است.

نکته دیگر آنکه دولتی که کنترل اقتصاد را بر عهده دارد و از نیروی زنان در حد استثمار بهره می‌برد، به رشد اقتصادی می‌رسد و این موضوع البته مورد تأیید نگارنده نیست، بلکه صرفاً در مقام توصیف و با آمارهای موجود مورد تحلیل قرار گرفته است. مهم آن است که بدانیم اگرچه نقش دولت در برنامه‌ریزی و نظارت بر اقتصاد تأثیر مهمی در ارتقای رشد درآمد ناخالص ملی دارد، نباید قدرتش را در صحنه برنامه‌ریزی اقتصادی با دولت خودکامه یا رژیم استبدادی یکی بدانیم. اگر بخواهیم از تجارب کشورهای آسیای جنوب شرقی بهره‌برگیریم باید نکات مثبتی چون نقش دولت، کفایت در برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی و استفاده از شرایط بازار جهانی به‌عنوان یک گزینه مطلوب را پیش چشم داشته باشیم، ضمن آنکه نباید اهمیت حمایت از حقوق طبقات کم‌درآمد را در بخش عمده‌ای از برنامه‌ریزی اقتصادی- اجتماعی فروگذار کنیم. اینجاست که نقش سازمانهای مدنی، به‌ویژه سازمانهایی که متکفل حمایت از ضعیف‌ترین اقشار جامعه، یعنی زنان هستند، برجسته و قابل توجه می‌گردد. اهمیت این سازمانها در سرمنشأ قدرت دولت بودن،

خاستگاه و ریشه دولت است. مدلی که از دولت توسعه‌گر - دخالت‌گر مد نظر بوده، این ویژگیها را دارد. این دولت دخالت‌گر به وکالت از جانب منتخبین یعنی مردمی که به منظور پیشبرد اقتصاد ملی به او رأی داده‌اند، عمل می‌کند و پاسخگوی رأی‌دهندگان است. هرگاه دولتی با ویژگیهای فوق در امور اقتصادی و اجتماعی دخالت کند می‌توان از مفهوم رشد اقتصادی گذر کرد و از توسعه سخن گفت. توسعه به مراتب بیش از رشد تولید ناخالص ملی است و مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد. دولتی که ریشه در مردم و سازمانهای مردمی دارد فقط به افزایش سود ملی به هر قیمت از جمله استثمار نیمی از مردم کشور یعنی زنان، عمل نمی‌کند، بلکه توسعه اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد.

نکته آخر آنکه بحران کنونی جهان که مبدأ آن امریکاست؛ ریشه در «اجماع واشنگتن» در دهه ۱۹۸۰ دارد و از زمان دولت ریگان و با آزادسازی اقتصاد کلید خورده است. با روند آزادسازی اقتصاد، نظارت دولت بر بانکها و نظام مالی و اعتباری کاهش یافت. اعتبارات و وامهای بی‌رویه و بدون پشتوانه به منظور سوددهی کوتاه‌مدت باعث رشد بادکنکی اقتصاد گردید و سرانجام با ترکیدن این حباب، اقتصاد بزرگ‌ترین قدرت مالی دنیا به زانو درآمد. اشاعه گران اجماع واشنگتن قربانی سیاستهای غلط خویش گشته‌اند. دامنه بحران امروز امریکا به کشورهای اروپایی و در نهایت تمام دنیا؛ سندی بر ناکارآمدی نظریه بازار آزاد به قرائت «اجماع واشنگتن» است. آنچه در پیش روست بسیار پرتلاطم است و چالشهای آتی عظیم خواهد بود. ولی همواره در بطن تاریک‌ترین لحظات و در برابر بزرگ‌ترین ناامیدیها، فرصتهایی نیز پدید خواهد آمد. امید است که جوانان و نسل آینده ایران، این فرصتها را دریابند، تقویت کنند و به ثمر برسانند و با آگاهی و احاطه بر تجربیات متفاوت کشورهای مختلف جهان، ایران را به سوی آینده‌ای بهتر رهنمون گردند. با امید به غنی‌تر شدن فضای علمی و تحقیقاتی در ایران، کتاب حاضر را به دانشجویان ایرانی تقدیم می‌کنم.